

اکثریت ملت از وضع موجود و سامان و سازمان راهبردن جامعه نارضایتی دارند و همین امید به آینده را کمتر می کند | انتخابات بسیار مهم است در صورتی که "حدّ نصاب ضابطه و معیارهایی که انتخابات را انتخابات می کند" رعایت شود.

سید محمد خاتمی می گوید آگاهانه و صادقانه رأی ندادم!



سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری اسبق ایران در جمع مشاوران خود به تبیین وضعیت کشور، انتخابات و راه برون شد از بحران های پیش رو و بازگشت امید به جامعه پرداخت.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از جماران، وی در این نشست اظهار داشت:

علاوه بر ناخشنودی و اعتراض نخبگان و به خصوص جوانان که به انحاء مختلف ابراز می شود با توجه به آمار و اطلاعات رسمی باید گفت اکثریت ملت از وضع موجود و سامان و سازمان راهبردن جامعه نارضایتی دارند و همین امید به آینده را کمتر می کند.

او مطلوب ترین راه برای رهایی از این وضع را مصالحه ملی و استقرار مردم سالاری توسعه گرا دانست و گفت:

در یک نظام مردم سالار انتخابات بسیار مهم است در صورتی که "حدّ نصاب ضابطه و معیارهایی که انتخابات را انتخابات می کند" رعایت شود. این بار تصمیم گرفتم که اگر نمی توانم کاری برای مردم بکنم همراه و همنا با خیل ناراضیانی باشم که در عمق وجودشان بر این باورند که اگر راه نجاتی باشد راه اصلاح امور است.

متن کامل اظهارات سیدمحمد خاتمی بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

چند روز پیش از برگزاری انتخابات گرفتم که همه از مردم سخن می گویند و افزودم فعلاً وقتی می گوئیم مردم مراد همان بالای پنجاه درصدی است که در دو انتخابات قبلی شرکت نکردند و نیز چند میلیون نفری که با رأی اعتراضی و باصلاح باطله خود ناخشنودیشان را نشان دادند و در انتخابات آخری هم دیدیم که درصد کسانی که رأی ندادند و نیز آراء باطله از انتخابات قبلی بیشتر بود. این به آن معنا نیست که آنان که در انتخابات شرکت کردند مردم نیستند. مردم همه اقبشار و بخش های مختلف رنگین کمان دل انگیزی اند که ملت ایران نام دارد و مورد احترام عمیق من است. همگی شهروندان ذی حق اند که فقر و فساد و تبعیض را نمی پسندند و همه به فکر اعتلای ایران و بهبود وضع جامعه اند. فعلاً سخن بر سر کسانی است که بنحوی نارضایتی خود را ابراز داشته اند و می دارند. امروز علاوه بر ناخشنودی و اعتراض نخبگان و به خصوص جوانان که به انحاء مختلف ابراز می شود با توجه به آمار و اطلاعات رسمی باید گفت امر مشترک میان اکثریت بالای ملت نارضایتی از وضع موجود و سامان و سازمان راهبردن جامعه است که روز بروز امید به آینده نیز کمتر می شود. این عده زیاد چه می خواهند؟ به نظر من می خواهند زندگی کنند، از وضع بد اقتصادی و معیشت تنگ نجات یابند، از فساد گسترده ناراحتند، می خواهند به آینده بهتر خود و فرزندانشان امیدوار باشند، خود را در عرصه بین المللی محترم ببینند، کشور و مرز و بوم مشترک زندگی اشان یعنی ایران عزیز سربلند و پیشرفته باشد، از امنیت داخلی و امنیت در برابر تجاوز و توطئه بیرونی برخوردار باشند و همه

کسانی که در این کشور با هر آئین و قومیت و گرایش و سلیقه ای زندگی می کنند به عنوان شهروند از حقوق برابر و حرمت واقعی برخوردار باشند و با کمال تأسف این طبیعی ترین خواسته های طبیعی خود را برآورده نمی بینند. در چنین وضعی براندازان نرم و سخت می کوشند از این ناراضی در راستای ادعاهای واهی خود سوء استفاده کنند در حالی که بر این باورم اکثریت قاطع ناراضیان (و بسیاری از کسانی که در انتخابات شرکت کردند) ناراضی اند اما بهم خوردن امنیت و ثبات کشور را نمی خواهند. غالب مردم اصلاح کم هزینه و پرفایده امور را طالبند لذا نظر "براندازی نه ممکن است نه مطلوب" از جمله در همین جا معنی پیدا می کند. مطلوب ترین راه برای رهائی از این وضع یک مصالحه ملی است که در سایه آن اولاً جامعه نشاط خود را بازیابد و زمینه مشارکت فعال مردم را فراهم آورد. ثانیاً راه براندازی مسدود گردد و از خود براندازی نیز که برای حاکمیت و مردم زبانهای فراوانی دارد، خودداری شود. ثالثاً از دامنه پیشرفت بحرانهایی که روز بروز بیشتر می شود، کاسته گردد. این یعنی مصالحه ملی برای اصلاح ساختار، رویکرد و رفتار به خصوص از جانب نظام حکمرانی. گفته ام و باز هم می گویم که راه نجات، استقرار مردم سالاری توسعه گراست و با توجه به واقعیت های تاریخی و اجتماعی کشور و اعتقاد بخش مهمی از مردم، "جمهوری اسلامی" که دست آورد مهم انقلاب است می توانست و می تواند پاسخگوی بسیاری از خواست های تاریخی ملت و آرزوهای دیرینه او باشد و انسجام و امنیت ملی و پیشرفت کشور و مصالح و منافع ملی را تامین کند اما کدام جمهوری اسلامی؟ جمهوریت مردم سالار بهمان معنی که در دنیا هست و اسلامیت (در عرصه حیات اجتماعی) که نه تنها با پایه های اصلی جمهوریت مردم سالار سازگار باشد بلکه آن را تقویت و خواستنی تر کند. موضوعی اساسی که کم و بیش به طور مبسوط تر در این باره سخن گفته ام. در یک نظام مردم سالار انتخابات بسیار مهم است در صورتی که "حدّ نصاب ضابطه و معیارهایی که انتخابات را انتخابات می کند" رعایت شود. این بنده کوچک خدا همیشه بر انتخابات و اهمیت آن تأکید داشته است و دارد و راه خیر خواهانه اصلاح وضع نگران کننده کشور را اثربخش کردن نهاد انتخابات می داند. من آنچه را که برای بهبود وضع و در جهت منافع ملت و کشور و حتی حکومت بنظرم می آمده است تاکنون گفته ام و پیشنهاد کرده ام اما متأسفانه به آن اعتنایی نشده است. این بار تصمیم گرفتیم که اگر نمی توانم کاری برای مردم بکنم همراه و همنوای خیل ناراضیان باشم که در عمق وجودشان بر این باورند که اگر راه نجاتی باشد راه اصلاح امور است. آگاهانه و صادقانه رأی ندادم تا به هیچکس دروغ نگفتم. بدون اینکه با انتخابات معنا دار به عنوان منشأ تقویت قدرت و حاکمیت ملت و امنیت ملی و ترمیم اعتماد همگانی، مخالف باشم و بدون اینکه با رأی دادن مردم مخالفت کنم، رأی ندادن را در شرایط نامطلوب کنونی وجه دیگری از رأی دادن در وضعیت حتی نسبتاً مطلوب انتخابات می دانم به این امید که با رأی ندادن در این شرایط اعتماد آسیب دیده مردم از حکومت و جریانهای سیاسی از جمله اصلاح طلبی (که دامنه اش گسترده تر از دائره اصلاح طلبان رسمی است) تا حدی ترمیم شود. نیاز حیاتی امروز کشور بازگرداندن سرمایه اجتماعی و حرکت به سوی نوعی مصالحه میان حاکمیت و مردم برای نجات کشور از تهدیدها و بحران ها و برداشتن گامهای جدی برای ورود به وضعی است که در آن ثبات و امنیت پایدار و پیشرفت همه جانبه کشور و آزادی و رفاه و بهبودی معیشت همه طبقات مردم و عزت ملی و بین المللی ایران عزیز تامین شود.

برچسب ها: [سیدمحمد خاتمی](#) [1]

[انتخابات](#) [2]

[براندازی](#) [3]

[اعتراض](#) [4]